

اخبار فرهنگی

نامه‌اعضای کتابخانه ملی به رئیس جمهور: خدمات کتابخانه را شبانه‌روزی کنید

جمععی از اعضای کتابخانه ملی ایران در نامه‌ای به مسعود پزاشکیان خواستار تعیین تکلیف افزایش خدمات کتابخانه ملی شدند.
بسه گزارش خبرنگار ایلتا، در ین نامه اعضای کتابخانه ملی ایران از عدم تعیین تکلیف شیفت شب کتابخانه ملی و احتمال محدود شدن زمان استفاده از کتابخانه در ایام ماه مبارک رمضان گلایه کرده‌اند.

در نامه این گروه آمده است:بر اساس اساسنامه‌ی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران که در سال ۱۳۶۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده‌است، کتابخانه ملی ایران مؤسسه‌ای آموزشی (علمی)، تحقیقاتی و خدماتی است که زیر نظر مستقیم ریاست جمهوری اداره شده و بودجه آن در بودجه کل کشور و در ردیف مستقل ذیل ردیف ریاست جمهوری منظور می‌گردد.انتخاب رئیس جمهور در صدر هیأت امنای سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی و ریاست عالی‌ی‌ی بالاترین مقام اجرایی کشور یعنی رئیس جمهور، به عنوان رییس عالییه آن، بیانگر اهمیت جایگاه بالای کتابخانه ملی ایران است.

در ادامه می‌خوانیم: نکته حائز اهمیت در مورد این کتابخانه خدمات ۲۴ساعته آن تا ۲ سال گذشته است. مسئولین گذشته کتابخانه ملی ایران از سال ۱۳۹۱ با درک درست از نیاز روز افزون کشور به محیط‌های توسعه دهنده تحقیق و پژوهش، امکان رایه خدمات شبانه‌روزی کتابخانه ملی ایران را برای نخبگان و مخترعان، فارغ التحصیلان دکتری اختصاصی و فارغ التحصیلان دوره حوزوی از سطح ۲ به بالا، شاغلان تحصیل در مقطع دکترای تخصصی، پدید آوردندگان کتاب‌های علمی و تخصصی، نویسندگان مقالات علمی پژوهشی و… فراهم کردند. در پایان این نامه ابراز امیدواری شده است که با حمایت مسعود پزاشکیان به عنوان رئیس جمهور و رئیس عالییه کتابخانه ملی ایران به خدمات شبانه‌روزی کتابخانه ملی (مانند ۱۲ سال گذشته) برقرار شده و زمینه‌های خرسندی طالبان و شیفتگان علم و پژوهش فراهم آید.

□□□

صالحی امیری پس از جلسه هیات دولت:

توضیح درباره نغوروادید بین ایران و تاجیکستان

وزیر گردشگری و میراث فرهنگی درباره لغو روادید بین کشورهای ایران و تاجیکستان توضیحاتی ارائه کرد و گفت: این مسئله خوشبختانه در سفر اخیر

رئیس جمهور به تاجیکستان حل شده‌ است و از هر نقطه تاجیکستان به ایران لغو روادید صورت گرفته است و این قدمی است برای توسعه روابط بین دو کشور. به گزارش خبرنگار ایلتا، سید رضا صالحی امیری پس از پایان جلسه هیات دولت در جمع خبرنگاران، خاطر نشان کرد: در حال حاضر آمار گردشگران ما به تاجیکستان ۸۶۰ نفر است و از تاجیکستان به ایران حدود ۸۵۰ است که توافق شده با لغو روادید و همکاری های دو جانبه این را به ۱۰۰ هزار نفر برسانیم. که انشالله این اتفاق خواهدافتاد.

□□□

نمایشگاه گروهی چاپ «از هر دری»

نمایشگاه گروهی آثار چاپ با عنوان «از هر دری» روز جمعه، ۱۲ بهمن ماه در گالری استخر از پروژه‌های آرتیبیشن به نمایش درمی آید. به گزارش ایلتا،

این نمایشگاه به کیوریتری، شیوا سرلک و با آثاری از رامونا شعبی، اشلینگ حق شناس، فاطمه اسلامیان، ندا پومند، سمانه شایسته، ریحانه برزین، نجمه امینی، بهاره جعفری و شیوا سرلک روی دیوار می‌رود. در توضیح این نمایشگاه نوشته شده: «کمتر ابزار بیانی همچون چاپ می‌تواند توانایی و قدرت طراحی هنرمندش را نمایش دهد، وقتی که رد خط‌های کوکب که عیان‌ترین شکل خودنمایی می‌کنند و کمتر ابزارهای همچون چاپ می‌تواند امکانی ایجاد کند که هر اثر هنری در اختیار همه قرار گیرد. از زمان اختراع چاپ تا به امروز، اندک هنر مندانی را می‌توان یافت که به روسوسه‌ی کار با تکنیک‌های چاپ غلبه کرده باشند؛ زمانی که هر هنرمند هم می‌تواند توانایی فنی‌اش را نمایش دهد و هم از لذت حضور اثرش به‌خانه‌هایی بیشتر بهره‌مند شود. آثار پیش‌رو در این نمایشگاه از تکنیک‌های متعددی در چاپ مانند کالوگرافی، سیلک اسکرین، لیتوگرافی و… خلق شده‌اند و از جهت موضوعی نیز از هر دری، هنری را در بر دارند.»

□□□

«مرد خاموش» در جشنواره پونای هند

فیلم سینمایی «مرد خاموش» سومین فیلم از سه‌گانه احمد بهرامی، راهی پونا در هند شد. به گزارش روابط عمومی فیلم سینمایی «مرد خاموش» به نمایش درمی آید. فیلم «مرد خاموش» در اولین نمایش جهانی خود در بخش مسابقه رسمی بیست و ششمین دوره جشنواره بین المللی شانگهای چین (۲۰۲۴) به نمایش گذاشته شد و جایزه اصلی بخش مسابقه «جام طلای بهترین دست‌آورد هنری» را دریافت کرد و سپس در سی و چهارمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم سنن پرتزبورگ در بخش «صدای جدید» به نمایش در آمد و با استقبال پر شور از طرف مخاطبان و منتقدان روبه‌رو شد.
علی باقری تک‌بازیگر فیلم است.

«هفتاد سی» چگونه فیلمی است؟ «زودپز» چرا جنجالی شد؟

محمد تقی زاده

شاید در سال‌های اخیر، مساله فیلم‌های کمدی مهم‌ترین یا جزء مهم‌ترین موضوعاتی باشد که ساعت‌ها درباره آن می‌زگرد و مناظره بر گزار و مقالات و یادداشت‌های مختلفی منتشر شده‌است؛ اما همچنان دغدغه فروش، کیفیت و تاثیر گذاری این ژانر از پرسش برانگیزترین مسائل مبتلا به سینمای ایران و سینماگران محسوب می‌شود. از یک سو مخاطبانی مواجهیم که به استناد فروش چند صد میلیاردی فیلم‌ها خود را کم‌دیی‌بین و تنه‌این‌گونه فیلم‌ها نشان می‌دهند و از طرفی دیگر آثاری پیش‌واریم که کیفیت چندانی ندارند و علاوه بر افول ذائقه مخاطبان، به‌نوعی ضد فرهنگ هم محسوب می‌شوند و کارکردی ضد خانواده، ضد فرهنگ و حتی ضد سینما پیدای‌کنند؛ گویی فروش این‌گونه فیلم‌ها موفقیتی که در گیشه به دست می‌آورد تنها دلیل بقا و حمایت از آنها محسوب می‌شوند و متولیان سینمایی، سینماداران و حتی توده مردم به تگرانی جدی برای کارگردهای جنسیت‌زده و غیر فرهنگی این‌گونه فیلم‌ها از خودنمانی‌ند دهند. در ادامه و به‌صورت موردی دو کمدی پر فروش این روزها که بیش از ۲۰۰ میلیارد تومان فروش داشتند، نقد و بررسی شده‌اند:

هفتاد سی ساخته بهرام افشاری: ۲۷۶ میلیارد تومان فروش

بهرام افشاری در نخستین تجربه کارگردانی خود در سینما همچون رویه‌ای که جواد عزتی در ساخته نخست خود از آن بهره برده، سعی کرده از مسیری امتحان پس داده و چهره‌هایی شناخته‌شده و هماهنگ باخود استفاده کند. هون شکیبایا صمیمی‌ترین رفقای افشاری و حمزه صالحی فیلمنامه‌نویس آثار کمدی‌های پر فروش این سال‌ها همچون «فسیل» و «گراس» از دست‌اندر کاران پرنفوذ در سینمای ایران، جملگی ضرب این هماهنگی و انسجام را در بخش تولید نخستین اثر افشاری افزایش داده‌است.

هفتاد سی در ابتدا، شروع خوبی دارد و میتوان امید به یک کمدی غیر تکراری در سینمای کمدی دهه ایران بست، شروعی که با کمدی موقعیت، دیالوگ‌های پختگی، تمپوی خوب و هنر مندی دوبان یگر توانای کمدی و درام یعنی هوتن شکیبایا و بهرام افشاری نه تنها امیدوار کننده بلکه همه را کندند

نیز می‌شود اما هر چه می‌گذرد از این تاثیر گذاری و سمپاتی اولیه شخصیت‌ها کاسته شده و در نهایت به یک کصه کش‌دار، کلیشه‌ای و شلوع بر میخوریم که مخاطب امیدوار قلیق نخست فیلم را با ملال و نارضایتی از ادامه فیلم مواجه می‌کند.

روایت فیلم، با داستان در گذشت زودهنگام یک پسر مرد بیمار و همزمانی آن با پرنده شدن او در یک مسابقه بخت‌آزمایی جان می‌گیرد، اما در ادامه بر کردن فیلم از خرده‌داستان‌های متعدد و

گزارش تئاتر

شخصیت‌های زاید سبب میشود که مسیر دنبال کردن قصه با مشکلات زیادی روبرو شود، گویی فیلمنامه‌نویس سعی داشته با بالاردن ضرباهنگ اثر وارد کردن موقعیت‌های داستانی مختلف و لحظات کمیک متعدد حواس مخاطب را از چاله چوله‌های داستان خود منحرف کند و به نظر می‌رسد این بالاردن ریتم برای پرت کردن حواس تماشاگر به یک اپیدمی در میان فیلمنامه‌نویسان ایرانی بدل شده‌است.

فیلم هفتاد سی با وجود هنر مندی بهرام افشاری و هوتن شکیبیا که بار اصلی کمیک فیلم و سنگینی فیلمنامه بر دوش آنها بوده، در شخصیت برداری دیگر کاراکترهای فیلم ناموفق عمل کرده است به‌گونه‌ای که به‌سختی میتوان چند ویژگی خاص و قابل ذکر برای این شخصیت‌ها بر شمرد. سیواوش طهمورث در نقش یعقوب، پسر مردی است که بدون آنکه بداند در آستانه مرگ قرار گرفته‌در حال عجل لحاظ شخصیت‌پردازی جزو شعاری‌ترین و کلیشه‌ای‌ترین کاراکترهای فیلم محسوب می‌شود که قرار است یک ننه بار معناگرایی فیلم و لحظات متاثر کننده آن را ایفا کند؛ دیالوگ مهم او در زمان دریافت جایزه ۳۰ میلیاردی مبنی بر اینکه این جایزه در این سن و سال به‌نوعی دهن کجی روزگار به‌اوست، در راستای همین تزیق معناگرایی به فضای داستانی است که روح‌آن خالی از چنین محتوایی است و تنها در لحظاتی کوتاه و دیالوگ‌هایی شعاری قرار است تم‌شاعرانه و فضای عدالت‌خواهانه فیلم تبیین شود.

به‌فیلمنامه و کارگردانی بلکه مربوط به گریم و بازیگری آن باشد جایی که بهرام افشاری در نقش ایوب و هوتن شکیبایدر نقش پرویز توانستند با تکاپه گرمی متفاوت و جدید از چهره و شمایل گذشته خود تا حد زیادی آشنایی زدایی کنند. افشاری یکی از عوامل مهم در سریا نگه داشتن فیلم است و لهجه همدانی او که قبل‌تر در نتاثر امتحانش کرده بود، در اینجا نیز جواب داده‌است. هوتن شکیباینیز که اگر بهترین بازیگر نسل جدید سینمای ایران نباشد از بهترین‌ها محسوب می‌شود، بازی جدیدی ارائه داده‌که از همه کاراکترهای قبلی اوفاصله دارد و کنار هم قرار گرفتن این‌سوزج نه تنها کنجکاو ی برانگیزی فیلم را دوچندان کرده بلکه یکی از اصلی‌ترین دلایل همراهی مخاطب با درام به‌شمار می‌آید.

فیلم‌نامه‌سی، مصداق بارز جایگاه فیلمنامه‌نویس‌سی‌داشته از کنار خلق یک کمدی مفرح‌که در کنار فیلمنامه «فسیل» یکی دیگر از یغز ووش‌های سینمای ایران محسوب می‌شود، با آموزش‌ی و به‌اصطلاح انتقادی فیلم را نیز ارتقا دهد نتایج‌آن شده مبار دیگر فلاکت‌و

نیز می‌شود اما هر چه می‌گذرد از این تاثیر گذاری و سمپاتی اولیه شخصیت‌ها کاسته شده و در نهایت به یک کصه کش‌دار، کلیشه‌ای و شلوع بر میخوریم که مخاطب امیدوار قلیق نخست فیلم را با ملال و نارضایتی از ادامه فیلم مواجه می‌کند.

روایت فیلم، با داستان در گذشت زودهنگام یک پسر مرد بیمار و همزمانی آن با پرنده شدن او در یک مسابقه بخت‌آزمایی جان می‌گیرد، اما در ادامه بر کردن فیلم از خرده‌داستان‌های متعدد و

گزارش تئاتر

درباره نمایش «ذرات آشوب» به کارگردانی ابراهیم پشت‌کوهی

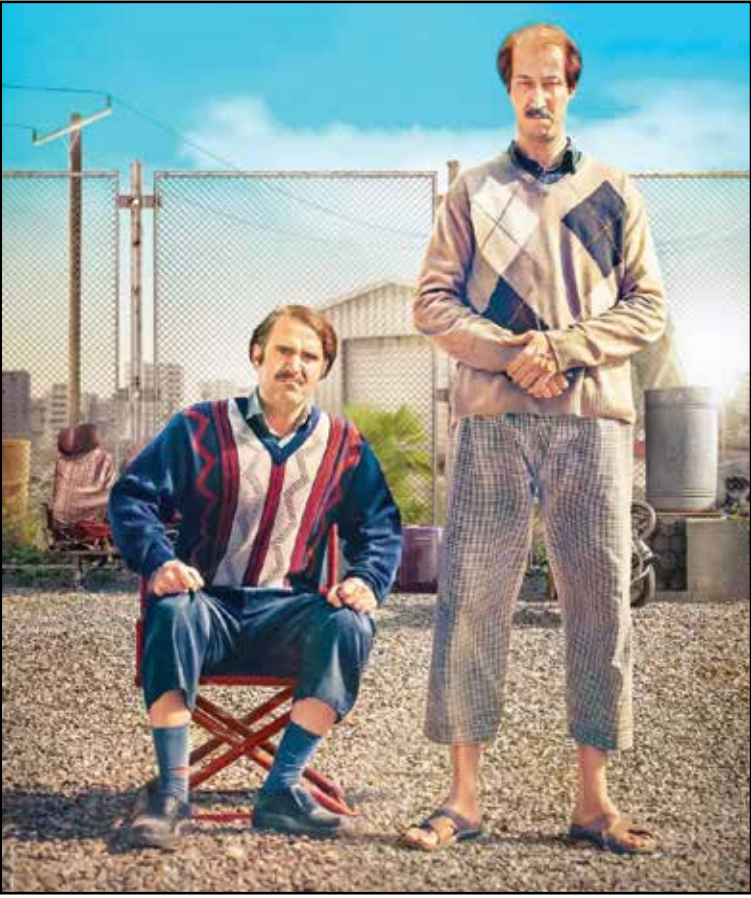
ابراهیم پشت کوهی در نمایش «ذرات آشوب» به تاریخ سیاسی جزیره هرمز می‌پردازد و با ساختاری دراماتیک تلاش دارد، مقاومت مردمان این جزیره و ادر مواجهه با استعمارگری نیروهای پرتغالی به نمایش گذارد.
بنابراین با یک منطبق دوگانه ساز و روبرو هستیم که در ساختار اجتماعی و سیاسی این نیروهای پرتغالی به مثابه «دیگری» شناخته‌شده و لاجرم عامل تهاجم و سلطه ساکنان جزیره هستند و در سوی دیگر مردمان عادی ساکن این جزیره هر روز رومز که بومی‌مردم محسوب شده و بر بی‌آزادی و آبدی خود و سرزمین مادری‌شان. از همان ابتدا مردمان هرمز چنان بازنمایی می‌شوند که گویی قدرت چندانی در مواجهه با نیروهای استعمار گر پرتغالی ندارند و مقهور جاطللی‌های فزاینده فرمانده پرتغالی جزیره با همتان کاپیتان بلایت‌بابای به‌یادمانندی مهدی حسینی نباشند. از این باب و در غیاب ایده مقاومت و به تبع آن، فقدان رویای آزادی و رهایی، شاهد زوال اخلاقی مردمان ساکن این جزیره سوق‌الجیشی بوده‌ و از دست رفتن کبان و منزلت عمومی توده مردم. پس جای تعجب نخواهد بود که در فقدان یک نیروی مردمی مقاومت‌کننده، بزگران هرمز برای نجات زندگی خویش و برقراری آرزوی آرامش و امنیتی‌تن، به مصالحه‌های ناعادلانه با فرماندهی نیروهای استعمار گر پرتغالی داده‌موجب بروز حوادث ناگوار احتمالی شوند. نکته‌ای که باور و شخصیت «جرون» تغییر کرده و داستانی دیگر آغاز می‌شود.

در مطالعات پسا‌استعماری این از خصلت‌های تاریخی استعمار در جهان است که در پی زیاده‌خواهی‌های مادی و معنوی استعمار گران، مصالحتی بر مردمان سرزمین‌های مستعمراتی اعمال می‌شود که اغلب فاجعه‌آمیز و تحقیر کننده‌است. همچنان که تلخ‌تطور سرمایه‌داری و استعمار به هم گره خورده و برای مثال در این مورد خاص یعنی نمایش «ذرات آشوب»، حضور قوای پرتغالی در جنوب ایران بنابر منطق انباشت «سرمایه» و یافتن منابع طبیعی معنادار بوده و به منازعه‌ای تاریخی بدل شده‌ است. در این جغرافیای منازعه و کشاکش استعمار گر

ابراهیم پشت‌کوهی در «ذرات آشوب» فضای متعارف‌تری را به‌نسبت اجراهای قبلی تجربه کرده و روایتی سراسر تاز مردمان جنوب ارائه می‌کند. با آنکه ار جاعتی به فرهنگ ماورایی و مراسم تماشایی و رمز آلودار می‌شود، اما با یک‌شدن «هامازار» و «چه‌سرمای اجرا مناسک محلی به مقاومت مردمی تغییر می‌یابد. به دیگر سخن رهایی جزیره هرمز و مردمانش نه با برگزاری مراسم زار و نقشه‌هامازار در کشتن کاپیتان بلایت که از قضا باور و شخصیت انقلابی و عاشق‌پیشه‌ای چون «جرون» و بازیای پژمان جمشیدی محقق می‌شود. پس اجرا تزییح‌داده از کلیشه‌ای که در این سال‌ها بر این‌هایی چون «زار» تنیده شده فاصله بگیرد و همچنان بر وجه‌های یخشی حضور متشکل مردم به مثابه نیروی تغییر و انقلاب تاکید کند. نوعی دوری از فضای سنده‌زده جنوب و عزم به سوی احیای امر سیاسی از طریق سازماندهی نیروهای مردمی ذیل فرماندهی واحد کار بزماتیک شخصیت جرون. پژمان جمشیدی در نقش جرون، تاحدودی توانسته این شخصیت تاریخی را جان‌بخش‌د و بر صحنه اجرایی کند. اما تا رسیدن به وضعیت ایده‌آل، راهی دراز در میان است و حضور یک قهرمان آزادی‌بخش چون جرون به‌بیش از این‌ها که از پژمان جمشیدی شاهد بودیم احتیاج دارد. بدو پژمان جمشیدی روز‌های آخر به گره‌ اضافه شده و فرصت تمرین گروهی و باقی‌به‌بازیگران را چندان که باید نیافته‌ است. امید

نگاهی به دو کمدی ۲۰۰ میلیاردی روی پرده سینماها

«هفتاد سی» چگونه فیلمی است؟ «زودپز» چرا جنجالی شد؟



تنها این مسیبر و رویکرد تلاوم پیدای می‌کند، بلکه به محلی برای اعتباربخشی سازمان‌گان بدل می‌شود که عنوان پر فروش بودن را تسوی سر و صورت سینمایی اجتماعی و دست‌اندر کاران ازغدغه‌مند سینمایی بکنند.

زودپز ساخته رامبد جوان: ۲۲۲ میلیارد تومان فروش

فیلم «زودپز» در حالی از مهم‌ترین و کنجکاو ی برانگیزترین فیلم‌های ایران باپیز ۱۴۰۳ به‌شمار می‌آید که حداقل سه‌ و پیزگی این فیلم باعث بالارتی حجم توجهات به این کمدی جدید سینماها شده‌ است. نخست حضور رامبد جوان در مقام کارگردان و نویدمحمدزاده و محسن تنابنده در جایگاه بازیگران در پوست‌ها و تبلیغات فیلم است. چهره‌هایی که به جهت سبقه سینمایی و تلویزیونی و قربانی که‌با کمدی داشتند، برای تماشاگران جذاب به نظر می‌رسند. نکته دوم به فروش افتتاحیه فیلم و پیش‌بینی‌ها در ارتباط با راکوردشکنی این کمدی مربوط می‌شود تا جایی‌که به نظر می‌رسد «زودپز» با این شروع طوفانی در هفته نخست و پیش‌فروش اولیه، پر فروش‌ترین فیلم‌سال ۱۴۰۳ شود و حتی گمانه‌زنی‌ها ز پیش‌روی گرفتن از کمدی ۳۰۰ میلیاردی فسیل را گواهی می‌دهد. سومین و آخرین نکته کنجکاو ی برانگیز پیرامون این فیلم که اشتیاق برای دیدن آن را دوچندان می‌کند، نقد و نظری‌های متفاوت و حتی متناقضی است که پیرامون فیلم‌منتشر و بازگو می‌شود تا جاییکه برخی فیلم را تا اندازه یک شاهکار در سینمای ایران عنوان کرده‌ گروهی دیگر آن را بی‌ارزش توصیف می‌کنند!

علاوه بر این، تماشای «زودپز»، این مهم را به ذهن متبادر می‌کند که می‌توان کمدی پر فروش ساخت، از چهره‌های جذاب و محبوب استفاده کرد و وارد دلوگ، بی‌هنری و شوخی‌های سخیف جنسی و جوک‌های

شماره ۱۸۳۱ / پنجشنبه ۱۱ بهمن ۱۴۰۳ / ۲۹ رجب ۱۴۴۶ / ۳۰ ژانویه ۲۰۲۵

مجازی‌نشدا وصال داشت. در ادامه سه‌ نکته مهم فیلم «زودپز» به‌اختصار ارائه شده‌ است:
۱. **یسک، کمدی موقعیت**: در حالی‌که عمده کمدی‌های این‌سال‌های سینمای ایران از الگوهای مشابه برای جلب و جذب مخاطب استفاده کردند، «زودپز» سعی کرده کمدی متفاوت و متمایز باشد. بنای اصلی کمدی در سال‌های اخیر سینمای ایران استفاده از برخی الگوهای امتحان پس داده از قبیل رقص و آوازهای فیلم‌فارسی، تکه کلام‌های مبتذل کوچه‌خیابانی و برخی لوگدی‌های اینستاگرامی بوده که با چاشنی بازیگران محبوب‌ترتین شده و با علم به اینکه مخاطب علاقه‌مندبه کمدی است در سینماها پر فروش شدند. «زودپز» در این واقفسانه تته‌پاوار د‌بازی شوخی‌های کلامی و دیالوگ‌های جنسی نمیشود بلکه یکی از سخت‌ترین انواع کمدی، یعنی کمدی موقعیت را ارائه می‌دهد که ناشی از توجه و تسلط سازندگان این فیلم را رامبد جوان نامحسن تنابنده در مقام نویسنده و کارگردان به‌ژانر کمدی و تاریخ و انواع آن در سینمای جهان است.

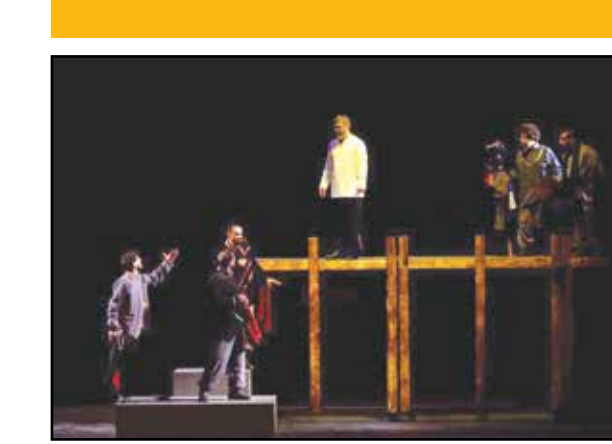
دوم، تصویر جنگ ایران: نکته حائز اهمیت دیگر فیلم «زودپز»، بازنمایی جنگ ۸ساله ایران و عراق به عنوان یکی از سخت‌ترین و بااهمیت‌ترین دوران تاریخ ایران است. تصویر یکی از رامبد جوان از جنگ ارائه‌میدهد با بهره‌گیری از طنز و کمدی برای بیان سختی و تلخی است. اوستگین‌ترین و ترازیک‌ترین دوران تاریخ ایران را به‌شیرین‌ترین و جذاب‌ترین شکل ممکن به تماشاگر عام ارائه می‌دهد. قهرمان‌ها و کاراکترهای مثبت فیلم اصلا عراقی شده‌ و اگرچه نویسنده و شخصیت‌پردازی به‌طور عمدی جوری شکل گرفته که علاوه بر باورپذیری؛ همدلی و همدات‌پنداری مخاطب را نیز برپیانگیزد. کم نبودند فیلم‌هایی که در باره جنگ و دفاع مقدس ساخته شده‌اند و از این میان سهم کمدی‌های دفاع مقدسی در ترسیم فضای جنگ و جهیم‌عدمت‌ماشها و تکراری بوده است با این وجود، سازندگان «زودپز» سعی کرده‌ند به غیرمستقیم‌ترین شکل ممکن و در لفافه و فلان‌ز هر گونه شعار، یاد و خاطره هشت‌سال بمب و موشک را بر سر یکدیگر آمیزند.

میک‌از منقششهر انگیزترین موضوعات پیرامون فیلم «زودپز» همین تصویری است که‌از جنگ ارائه‌داده‌ است به‌نحوی که برخی آن را توهمین به شهید و دفاع مقدس عنوان کرده‌ و خواستار بازبینی در برخی سکانس‌ها و حتی کلیت فیلم‌شدند. این در حالی است که به‌زعم آنان نده‌این‌سوطر، تصویر رامبد جوان از جنگ تصویری مردمی، غیرشعاری و غیراگرچه‌ است که از این حیث نیز شاهد یک‌نوآوری در بازنمایی جنگ ایران و عراق در سینمای کمدی هستیم.

سوم، کارگردانی و اجرا: کارگردانی «زودپز» از بازی بازیگران تا کویا، فیلمبرداری و دیگر عناصر فیلم در حد استاندارد و قابل قبول بر گزار شده‌ است. نویدمحمدزاده در نخستین فیلم کمدی خود و محسن تنابنده در تلاش برای کلیشه‌زدایی از نقش نقی در سریال «پایتخت» که نه‌تنها موفق بوده بلکه برگ برنده فیلم در جذب و همراهی اولیه تماشاگران به‌شمار می‌روند. فیلم جزئیات تصویری دشوار و زیادی دارد که ناشی از دقت سازندگان در بخش‌های مختلف اجرایی آن بوده‌ است. مضافاً اینکه جلوه‌های بصری «زودپز» از قبیل تهرتین بخش‌های فیلم است.

اگر فقط کمدی‌های موقعیتی که در این فیلم از نظر ایده و اجرا وجود دارند، را در نظر بگیریم با یک کمدی قابل دفاع روبرو هستیم که یک سر و گردن از کمدی‌های کلامی و جنسیت‌زده سینمای ایران جلوتر است. مضافاً اینکه گمانه‌زنی‌های منتقدان در ترسیم و تصویر کردن مذهب‌های جذاب و کمیک که در روتنمای‌های معنادار و با مغز داشتند نیز به کرات در فیلم قابل مشاهده است.

نمایش «زودپز» در این روزها و در آکران عمومی سینماها، اما این پیام را برای منتقدان، رسانه‌ها و مردم داشته که امید جوان را به‌عنوان یک فیلم‌سازگزید کار و متخصص، بیش از این جدی بگیرند!



که در اجرای عموم شاهد یک جرون به واقع کار بزماتیک و انقلابی از جانب پژمان جمشیدی باشیم. اما در قبال نقش کاپیتان بلایت که مهدی حسینی نیا آن را بازی می‌کند می‌توان به اطمینان شخصیت سخن گفت و حضور صحنه‌ای او را استیاش کرد. ضد قهرمانی که با مهارت توانسته پیچیدگی رفتاری یک فرمانده جابل‌طرب را به نمایش گذاشته و با ست‌های بدنی مسحورکننده‌اش، اقتدار و شکنندگی توانمان یک فرمانده استعمارگر را رویت‌پذیر کند. کاپیتان بلایت در اعترافی که به هنگام مستی بر پله‌های قلعه پرتغالی‌های جزیره هرمز می‌کند، میل افسارگسیختنش را در تصاحب دختران جوان که غلبه‌متعلق به‌بزرگان هرمز هستند، مربوط به دوران جوانی و خیانتی است که دیده می‌داند. کاپیتان بلایت مدعی است که روزگار بر یکی از بنادر پرتغال دختری که دوستش داشته و ارباب‌رحتی ترک گفته و با یکی از کاپیتان‌های صاحب‌نام ارتش پرتغال رفته‌ است. حال او در کسوت یک کاپیتان ارتش پرتغال به صحنه بازگشته و در حال انتقام‌گیری از مردمان مستاصل هرمز است. همان‌هامار تیبایی که در نهایت بالای جانش خواهد شد و او از صحنه روزگار محو خواهد کرد.

در نهایت می‌توان گفت با دیگر ابراهیم پشت‌کوهی در مقام نویسنده و کارگردان با خوانشی امروز از یکی از ترازدی‌های یونانی، تلاش دارد وضیعت اینجوا کنونی ما را در نسبت با یک رخداد تاریخ‌پیش‌ری توضیح‌پذیر کند. دختری چون «تامیس» با بازی گاتا‌عابدی، پنهانی جنازه را در خویش را با کشتن سربازان پرتغالی در مکانی نامعلوم دفن می‌کند و خشم بی‌پایان کاپیتان بلایت را بر می‌انگیزد. قصه‌ای آشنا که سرنوشته ترازیک اینگونه سوتکل را باآوری می‌کند و بار دیگر تقابل قانون الهی و قانون حاکمان را بحرانی می‌کند. نمایش «ذرات آشوب» با رویکردی کمینه‌گرایانه به فضا، توانسته اجرایی تماشایی تدارک ببیند و با یکاگیری قرار داده‌هایی ساده، ارمورت‌ناپذیری چون بیکنش شدن دختران جوان به خلوت کاپیتان بلایت را اخلاقانه به نمایش گذارد. فضای شاد جنوب در اتصال با تهاجم تحمل‌ناپذیر نیروهای بردتغالی، مدام درگون‌شده و احساسات مخاطبان را تحت تاثیر قرار می‌دهد. اما اجرا از ادنمی‌پرد که ملال و مصیبت‌رانی‌بستی به تمامی ملال‌انگیز و مصیبت‌زده‌بر صحنه آوردنی‌شک‌مطایبه و طنز و شوخ‌طبعی است که می‌تواند نیروی مقاومت در مقابل دشمنان این ملک و مملکت باشد و روحیه مردمان را در مواجهه با فاجع محفوظ دارد. خطابه‌ای که در پایان بر زبان جرون جاری می‌شود و یکر دملی گرایانه‌ای است که تبار بخیر شادت و شجاعت مردمان این سرزمین شهادت می‌دهد. به واقع که در این دوران آشوب‌های بی‌پایان منطقه‌ای و تهدیدات ژئوپولیتیکی، شاید یکی از راه‌های مقاومت و تاب‌آوری، سخن گفتن از تاریخ وطن و آدم‌های فداکارش باشد.